شیوه همسرداری پیامبر (صلی الله علیه و آله)

پدید آورنده : احمد عابدینی ، صفحه 16

الف. از منظر آیات

نمونه اوّل:

«یآ أیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ اللَّهُ لَکَ تَبْتَغِی مَرْضَاتَ أزْوجِکَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحیِمُ قَدْ فَرَضَ اللّهُ لَکُمْ تَحِلَّةَ أیْمنِکُمْ وَ اللّهُ مَوْلکُمْ وَ هُوَ العَلیمُ الْحَکِیمُ وَ إذْا أسَرَّ النَّبِیُّ إلی بَعْضِ أزْوجِهِ حَدِیثا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أظْهَرَهُ اللّهُ عَلَیْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَ أعْرَضَ عَنْ بَعضٍ فَلَمَّا نَبَّأها بِهِ قَالَتْ مَنْ أنْبَأکَ هَذا قالَ نَبَّأنِیَ العَلیمُ الخَبِیرُ إن تَتُوبَآ إلَی اللّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُمَا وَ إنْ تَظْهَرَ عَلَیْهِ فَإنَّ اللّهَ هُوَ مَوْلهُ وَ جِبرِیلُ وَ صَلِحُ المُؤْمِنیِنَ وَ المَلئِکَةُ بَعْدَ ذلِکَ ظَهِیرُ»؛

«ای پیامبر! چرا برای جلب رضایت همسرانت، آنچه را که خدا بر تو حلال کرده است، حرام می کنی؟ و خداوند بخشاینده و مهربان است. خداوند گشودن این گونه سوگندها را بر شما واجب کرده و او مولای شما و دانا و حکیم است. و هنگامی که پیامبر، سرّی را با برخی همسرانش در میان نهاد و هنگامی که او آن را [به دیگران] خبر داد و خداوند پیامبر را [از افشای سرّ] با خبر ساخت، پیامبر برخی را به او شناسانده و از گفتن برخی خودداری کرد. هنگامی که پیامبر، وی را از آن با خبر ساخت، [او] گفت: این خبر را چه کسی به تو داد؟ [پیامبر] گفت: خدای دانای آگاه، مرا باخبر ساخت. اگر شما دو زن توبه کنید، بهتر است، امّا دلهای شما سخت شده است و اگر با پشتیبانی هم علیه او (پیامبر) قیام کنید، خداوند یاور اوست و نیز جبرییل و مؤمنان شایسته و فرشتگان نیز پشتیبان وی خواهند بود.»

پیش از مراجعه به تفاسیر و شأن نزولها، اموری را که از خود آیات می توان به دست آورد، مرور می کنیم، تا با کمک آن بتوانیم شأن نزول واقعی را بیابیم. این کار از آن رو است که شأن نزولهای گوناگونی در این جا نقل شده و اگر چه همه آنها در این مشترکند که برخی از همسران - به طور مشخص حفصه و عایشه - موجبات ناراحتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را فراهم کردند، ولی دانستن شأن نزول حقیقی در این آیات بسیار مهم است، تا معلوم شود نوع آزار چه بوده است.

نکته ها و مطالب

1. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای جلب رضایت همسرانش، چیزی را که بر وی حلال بود، بر خود حرام کرد.

2. نحوه حرام کردن این گونه بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سوگند یاد کرد که دیگر آن حلال را مرتکب نشود.

3. با این که عمل به مفاد سوگند واجب است و مخالفت کننده با سوگند باید کفّاره بدهد، خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) واجب کرد این سوگند را بشکند - و همان طور که در روایات هست - کفّاره آن را هم بدهد، که حضرت چنین کرد.

4. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به یکی از همسرانش، سرّی را گفت و از او خواست آن را فاش نکند.

5. او سرّ پیامبر (صلی الله علیه و آله) را فاش کرد.

6. خداوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از افشای سرّ با خبر ساخت.

7. پیامبر (صلی الله علیه و آله) قسمتی از سرّ فاش شده را به آن همسر گفت.

8. او با تعجّب پرسید: «از کجا دانستی؟» و پیامبر (صلی الله علیه و آله) جواب داد: «خداوند مرا با خبر ساخت».

9. سرّی که بیان شد، دارای اجزا و قسمتهای متعدّد بود و پیامبر از برخی از آنها پرده برداشت و باقی را پوشیده نگه داشت.

10. همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن سرّ را با یکی دیگر از همسران آن حضرت، در میان گذاشت.

11. سرّ فاش شده یا شاید تبعات آن، دارای گناهی عظیم بود که نیاز به توبه داشت.

12. آن دو همسر، بر اثر این خطا، به اعراض دل از حقّ گرفتار شدند که توبه کردن برای آنان کار مشکلی بود.

13. یاور پیامبر (صلی الله علیه و آله) خداوند و جبرئیل و مؤمنان شایسته، می باشند. از تفاسیر و روایات و مفرد بودن صالح معلوم می شود آن مؤمنِ یاور، تنها حضرت علی (علیه السلام) است.

14. در صورت ادامه ماجرا و تصمیم آن دو زن برای توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ملائکه به یاری حضرت می شتابند.

15. شاید «وَ اِذْ» دلالت کند بر این که دو حادثه اتفاق افتاده که مشابه یکدیگر بوده و در یکی پیامبر (صلی الله علیه و آله) چیزی را بر خود حرام کرده، و در دیگری سرّی از اسرار را با همسرش در میان گذاشته است.

16. از لحن آیات و خصوصا با توجّه به آیات دیگر همین سوره - که از زنان حضرت لوط و حضرت نوح که شوهرانشان را اذیت کردند و به آنان خیانت روا داشتند، ذکری به میان می آید - روشن می شود برخورد و عمل این همسران کاری بسیار زشت و ناپسند بوده و نوعی خیانت محسوب می شده است و آنان در حدّ زن حضرت لوط و زن حضرت نوح سقوط کرده اند.

شأن نزول اول، ناسازگاری همسران، در دیدار پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آنان

مفسّران در شأن نزول این آیات، اختلاف زیادی دارند و مطالب گوناگونی را ذکر کرده اند، از جمله:

1. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از نماز صبح به حجره های همسرانش سر زد. نزد یکی از همسرانش ظرف عسلی بود که برایش هدیه آورده بودند. او برای پیامبر از آن عسل، شربتی درست کرد. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شد تا سلام کند و بگذرد، او پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نگه داشت، تا شربت را به او بدهد.

عایشه حسادت کرد و به همسران دیگر رسول اللّه گفت: وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزد شما آمد تا سلام کند، بگویید دهانت بوی مَغافیر می دهد، که گیاهی بدبو است، تا به این وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از ماندن بیشتر در یک جا و نوشیدن شربت منع کنند.

عایشه همین که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را دید، بینی خود را گرفت و گفت: «مغافیر خورده ای؟» پیامبر فرمود: «نه، نزد فلان زن، شربت عسل خورده ام.» گفت: «حتما زنبور آن از شیره غُرْفُط مکیده است.» پیامبر برای رضایت همسرانش سوگند یاد کرد که دیگر از آن شربت ننوشد.

نکته ها و مطلب

1. طبق این شأن نزول، سرّی را که رسول اللّه به برخی همسرانش گفت، مربوط به تحریم شربت بود و حضرت نخواست که خبر به گوش صاحب عسل برسد و او ناراحت شود. امّا این که چگونه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از فاش شدن سرّ، برخی را برای فاش کننده سرّ گفت و برخی را نگفت و چگونه یک جمله خبری که بیان گر یک چیز است، قابل تقسیم است، معلوم نیست؛ به همین جهت این شأن نزول با عَرَّفَ بَعْضَه وَ اَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ، ناسازگار است و قابل قبول نیست.

2. از شأن نزول ذکر شده، معلوم می شود عایشه در خانه پیامبر دارای موقعیتِ خاصّی بوده است؛ زیرا وقتی او تصمیم می گیرد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را از ماندن بیشتر در یکی از حجره ها منع کند و به دیگران می گوید به پیامبر بگویید دهانت بوی مغافیر می دهد، آنان گوش می کنند و چنین کاری را انجام می دهند.

3. عایشه در برخورد با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ماهرانه عمل می کند: اوّل با گرفتن دست جلوی بینی، پیامبر را حسّاس می کند و وقتی حضرت می فرماید: «مغافیر نخورده ام و عَسَل خورده ام.» با مهارت می گوید: «حتما زنبور عسل از شیره غُرفُط مکیده است!».

4. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هیچ وجه نمی خواست دهانش بوی بد بدهد؛ از همین رو عسل را بر خود حرام کرد.

5. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هیچ گاه آزردگی خاطرِ همسرانش را نمی پسندید و از همین رو می خواست خبر این تحریم فاش نگردد، تا آن همسر، ناراحت نشود و از طرفی دیگر مردم تصوّر نکنند که عسل، حرام شده است.

6. عایشه نزد سایر همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) موقعیّت ویژه ای داشت و به راحتی توانست توطئه خود را با کمک آنان اجرا کند.

7. معلوم می شود همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به زنی که دارنده عسل بوده، حساسیّت داشته، می خواستند او را از گردوونه خارج کنند، یا خودشان را هم رتبه او قرار دهند.

شأن نزول دوم، برخورد همسران با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در داستان ماریه

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هر روز نزد یکی از همسرانش می ماند، تا رعایت عدالت بشود. روزی که نوبت حفصه بود، بر او وارد شد، ولی حفصه از حضرت، اجازه خواست تا برای کاری نزد پدرش برود و در نبود او، ماریه قبطیه - که مادر ابراهیم فرزند رسول اللّه و خادمه حضرت بود - را نزد خود خواند.

حفصه برگشت و وقتی فهمید ماریه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است، بنای ناسازگاری را گذاشت و گفت: «در روز من، در حجره من و با غیر من؟! حاشا!» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای راضی کردن او گفت: «ماریه را بر خود حرام می کنم و سوگند به خدا که دیگر با او خلوت نکنم، و تو این مسئله را با کسی در میان مگذار.» ولی حفصه بلافاصله عایشه را از این حادثه با خبر کرد.

شأن نزول سوم مانند شأن نزول دوم است؛ فقط مقداری اضافه دارد که مربوط به خلفای پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نقشه کشی آنان برای رسیدن به مقام خلافت می باشد.

نکته ها و مطالب

1. از این شأن نزول استفاده می شود که حفصه و عایشه در یک خط و در یک جهت کار می کردند و اخبار را سریعا به یکدیگر منتقل می کردند، و عایشه نفش مرکزیّت داشت و زود در جریان کارها قرار می گرفت.

2. حفصه و عایشه نسبت به ماریه حساسیّت داشتند و از این که پیامبر او را بر خود تحریم کرد، بسیار خوشحال شدند؛ به طوری که وقتی پیامبر از حجره حفصه خارج شد، او با مشت به دیوار اتاق عایشه زد و وی را از این خبر مهم آگاه کرد.

3. شاید حساسیت عایشه و حفصه - خصوصا عایشه - از آن رو باشد که هیچ کدام از همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مدینه از ایشان دارای فرزند نشدند و تنها ماریه قبطیه بود که صاحب فرزندی به نام ابراهیم شد. در این صورت عایشه - که عقیم بود - جا داشت بیشترین حساسیّت را نشان بدهد.

4. یقینا حفصه، مشکل دیگری را با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در میان گذاشته که با تحریم ماریه، آن مشکل رفع نگشته و حضرت، ناچار شده از خلیفه شدن پدر او سخن به میان بیاورد.

به هر حال این شأن نزول با آیه سازگارتر است؛ چون دارای چند قسمت است که می توان قسمتی را بیان کرد و از قسمتی چشم پوشید. بنابراین با «عرف بعضه و اعرض عن بعض» سازگار است.

منبع: شیوه همسرداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) به گزارش قرآن و سنت

پی نوشتها:

1. تحریم (66) آیات 1-4.

2. در این که آن زن چه کسی بود، نیز اختلاف است. برخی گفته اند زینب بنت جحش و برخی گفته اند سوده، و برخی امّ سلمه و برخی گفته اند حفصه.

3. مجمع البیان، ذیل آیه؛ الدرّ المنثور، ذیل آیه؛ بحار الانوار، ج 22، ص 228.

4. بحار الانوار، ج 22، همان، ص 229.

5. تفسیر علیّ بن ابراهیم قمی، ج 2؛ بحار الانوار، ج 22، ص 239.